

بسم الله الرحمن الرحيم

کلی از رفته جاوید نهی
 دین کل عطره پرور کن دماغ
 به نغمه های خوشم کن تشناب
 زبانم را سببش بشه کرد
 بر اقلیم بسین فروزیم بخش
 زنج دل ز بازن کن گون خنجر
 معطر کن ز شمش قاف زلف
 ز عطر مامه را عین فشان صاحب مهر
 دزان نامه بخیرانی یافت
 نمی یایم صدای زان برام
 غم همگر
 حرفان

المی غنچه امیر بکشی
 بخندان از لب آن غنچه باغم
 درین محنت ساری با حواس
 ضمیر را سببش اندیشه کرد
 ز تقویم حردم پروریم بخش
 خودی اختر از ابروی سطر
 دلی داری ز کوه سبزه بخش
 کشته ای نامه طبع مران ف
 ز شرم خامه را شکر زمان کن
 سخن را خود سببش یافت
 درین غم خانه شیرین ماست
 موی از چشمش لاله را به جلاسی زبون
 موی از زلفش موی از دانه های سر به جلاسی
 موی از دانه های سر به جلاسی

حرفان باد باخوردند و رفتند
 نیشم چنگ زین رزم قافی
 بیای جامی ره کن شتر ساری
 افتتاح خانه تمام یکانه که چشمه روشن
 یک نام است و دفتر تلون
 بنام آنکه نامش جز جانبست
 زبان در کام کام از نام او
 خرد را پر نموده دم دم روی
 بی آن نوز بازشاشه کرده
 تعالی اللذی می تووم در نا
 فلک را الکن افرور از اجم
 مرتب ساز معقب حج در ایر
 بناف غنچه کل ارفاقه چونند
 توی حرفان که انداختی اولش بی اول بسواد

بسم الله الرحمن الرحيم
 درین محنت ساری با حواس
 ضمیر را سببش اندیشه کرد
 ز تقویم حردم پروریم بخش
 خودی اختر از ابروی سطر
 دلی داری ز کوه سبزه بخش
 کشته ای نامه طبع مران ف
 ز شرم خامه را شکر زمان کن
 سخن را خود سببش یافت
 درین غم خانه شیرین ماست
 موی از چشمش لاله را به جلاسی زبون
 موی از زلفش موی از دانه های سر به جلاسی
 موی از دانه های سر به جلاسی